

Research Article

The Process of Globalization and the Necessity to Adopt a Inclusive Approach to Iran's National Identity by the Islamic Republic of Iran's Government*

Majid Abbaszadeh Marzbali¹, Hossein Rafie²

¹ Ph.D. Political Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).
m.a.marzbali@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. h.rafi@umz.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to explore the impact of the process of globalization on the transformation of the attitudes of Iranians to national identity and thereby presenting an appropriate identity model in policymaking in order to protect national identity. Accordingly, the main research question is that with regard to the identity effects of globalization in Iran, which approach can be adopted by the Islamic Republic of Iran to maintain national identity. This research relies on the hypothesis that with respect to the effects of globalization on the identity perspectives in Iran, the Iranian government can adopt an inclusive approach to national identity and simultaneously emphasize on 3 tenets of being Iranian, Islamic, and modern in order to reinforce and encourage the tendency of the majority of society to Iranian national identity and protect that. The method of study is descriptive analysis and the research results show that due to the penetration of globalization into Iran and the spread of cyberspace (as a means of globalization), the outlook of Iranian society on the principles of Iran's national identity has been transformed. As a result of this situation, the bonding between people and their former principles as being Iranian and Muslim has weakened and instead, their tendency to the principles of modernity is reinforced. If a suitable approach is not adopted to this issue by the Islamic Republic of Iran, it can lead to the deterioration of national identity. For the sake of maintaining Iran's national identity, the government of the Islamic Republic of Iran should simultaneously pay attention to all tenets of identity.

Keywords: Globalization, National Identity, Identity Attitudes, Cyberspace, Islamic Republic of Iran.

* **Received:** 2020/08/14 ; **Accepted:** 2020/09/19

** Copyright © the authors

فرایند جهانی‌شدن و ضرورت اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران از سوی دولت جمهوری اسلامی^۱

مجید عباسزاده مرزبالی^۱، حسین رفیع^۲

^۱ دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). m.a.marzbali@gmail.com
^۲ دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. h.rafi@umz.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی تاثیر فرایند جهانی‌شدن در ایجاد تحول در نگرش‌های اعضای جامعه ایران نسبت به ارکان هویت ملی ایران و ارائه‌ی الگوی سیاست‌گذاری هویتی مناسب، جهت صیانت از این هویت می‌باشد. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش این است که با توجه به تاثیرات هویتی فرایند جهانی‌شدن در ایران، دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ چه رویکردی نسبت به هویت ملی ایران می‌تواند از این هویت صیانت نماید؟ مقاله بر این فرض استوار است که با توجه به تاثیر جهانی‌شدن بر نگرش‌های هویتی در ایران، دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی و تاکید هم‌زمان بر هر سه رکن این هویت یعنی ایرانیت، اسلامیت و مدرنیت، می‌تواند موجبات تقویت گرایش اعضای جامعه ایران نسبت به کلیت هویت ملی ایران را فراهم نموده و بدین وسیله از این هویت صیانت نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در نتیجه‌ی نفوذ جهانی‌شدن و گسترش فضای مجازی (به‌عنوان ابزار جهانی‌شدن) در ایران، نگرش‌های بسیاری از اعضای این جامعه نسبت به مبانی هویت ملی ایران دچار تحول شده است. به این صورت که در نتیجه این وضعیت، دل‌بستگی این افراد نسبت به مبانی قدیمی‌تر هویت مذکور یعنی ایرانیت و اسلامیت کاهش یافته و در مقابل، بر گرایش آن‌ها نسبت به مبانی مدرن آن افزوده شده است، که این مسئله در صورت عدم اتخاذ رویکرد مناسب از سوی دولت جمهوری اسلامی نسبت به هویت ملی ایران، می‌تواند موجب تضعیف این هویت گردد. دولت جمهوری اسلامی به منظور صیانت از هویت ملی ایران، می‌بایست به تمامی ارکان آن به‌طور هم‌زمان توجه نماید.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، هویت ملی، نگرش‌های هویتی، فضای مجازی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

هدف پژوهش حاضر، بررسی چگونگی تاثیر فرایند جهانی شدن در ایجاد تحول در نگرش‌های اعضای جامعه ایران نسبت به ارکان هویت ملی ایران و ارائه الگوی سیاست‌گذاری هویتی مناسب، جهت صیانت از این هویت می‌باشد. به‌طور کلی اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش، از یک‌سو به دلیل نقش اساسی هویت ملی در ایجاد همبستگی ملی و شکل‌گیری روح جمعی ملت و کمک به دستیابی کشور به توسعه و از سوی دیگر به دلیل شتاب گرفتن و گسترش پدیده جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت ملی و نگرش‌های هویتی در ایران است.

جهانی شدن فرایندی است که دنیا را در جنبه‌های مختلف دچار تغییر و تحول ساخته است. این فرایند توانسته از طریق ابزارهای خود به‌ویژه فضای مجازی، قلمرو بسیاری از مفاهیم سیاسی، اجتماعی، سنتی و بنیادی از جمله هویت ملی را درنور دیده و آن‌ها را در معرض بازتعریف دوباره قرار دهد، به طوری که «امروزه مرزهای نفوذناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی، به شدت آسیب‌پذیر و شکننده شده‌اند. در واقع فرایند جهانی شدن، فضای انحصاری دولت‌ها در امر هویت‌سازی در جامعه را از بین برده و یا این که به میزان زیادی کاهش داده است» (عباسی‌قادی و خلیلی‌کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸؛ گل‌محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۶-۲۵۱). در چنین شرایطی افراد جامعه در جریان شکل دادن به هویت‌شان با ارزش‌های متنوعی روبه‌رو می‌گردند، به طوری که منابع جدید و فراملی را جذاب‌تر از منابع سنتی جامعه‌ی خویش می‌یابند و از این‌رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید می‌شوند.

نکته‌ی اساسی این است که فرایند جهانی شدن بر هویت ملی در ایران نیز تاثیر گذاشته است. به طور کلی می‌توان گفت جامعه و هویت ملی ایران در حال تجربه کردن نوعی گذار است که دارای ویژگی‌های خاص خود بوده و پیامدهای متعددی به دنبال داشته و دارد. در نتیجه‌ی این وضعیت، بسیاری از اعضای جامعه ایران در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه هویت ملی خود قرار گرفته‌اند و نگرش‌های آنان نسبت به مبانی هویت ملی ایران دچار دگرگونی شده است.

رشد و گسترش جهانی شدن در ایران، موجب از بین رفتن بسیاری از محدودیت‌های

زمانی و مکانی و تغییر شدید شیوه‌های زندگی و پیدایش سبک‌های زندگی جدید، تکثر نمادها، تغییر ذائقه‌ها، و رشد توقعات و انتظارات شده است. فرایند مذکور برای ایرانیان فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیرقابل دسترس را به ارمغان آورده که همین موضوع، جهت‌گیری‌های متفاوتی را نسبت به هویت ملی‌شان در مقایسه با گذشته موجب شده است، به طوری که می‌توان گفت دل‌بستگی بسیاری از آنان نسبت به مبانی قدیمی‌تر هویت ملی یعنی ایرانیت و اسلامیت کاهش یافته و یا در حال کاهش بوده و در مقابل، بر گرایش آن‌ها نسبت به مبانی مدرن هویت ملی افزوده شده است.

به باور این پژوهش، استمرار تحولات هویتی کنونی در کشور، در صورت عدم اتخاذ رویکرد و سیاست هویتی مناسب از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند موجب بروز بحران هویت ملی در کشور و در نتیجه، تضعیف هویت ملی ایران گردد. بنابراین، وضعیت فوق، اتخاذ رویکرد مناسب از سوی دولت مذکور نسبت به هویت ملی ایران و ارکان آن را جهت صیانت از این هویت ضروری ساخته است.

با توجه به آنچه بیان شد، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که با توجه به تاثیرات هویتی فرایند جهانی شدن در ایران، دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ چه رویکردی نسبت به هویت ملی ایران می‌تواند از این هویت صیانت نماید؟

همچنین پژوهش بر این فرض استوار می‌باشد که با توجه به تاثیرات جهانی شدن بر نگرش‌های هویتی در ایران، دولت جمهوری اسلامی با اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران و تاکید هم‌زمان بر هر سه رکن این هویت یعنی ایرانیت، اسلامیت و مدرنیته می‌تواند موجبات تقویت گرایش اعضای جامعه ایران نسبت به کلیت هویت ملی ایران را فراهم نموده و بدین وسیله از بروز بحران هویت ملی در کشور جلوگیری کرده و از این هویت صیانت نماید.

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه‌ی گردآوری منابع نیز به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی‌های صورت گرفته، تحقیقی مشاهده نشده است که همانند پژوهش حاضر و به طور اختصاصی به رابطه جهانی شدن، ارکان هویت ملی ایران و رویکرد هویتی دولت

جمهوری اسلامی پرداخته باشد، بلکه تنها مواردی یافت شد که در کنار بررسی سایر موضوعات، به موضوع این پژوهش نیز توجه کرده‌اند. در ادامه به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد:

تاجیک (۱۳۸۴) در یکی از فصل‌های کتاب خود با عنوان *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، به رابطه بین ایرانیت، اسلامیت و مدرنیت در ایران پرداخته و بیان می‌کند که نبود رابطه مناسب بین این عناصر، شرایط را برای بروز و ظهور بحران هویت در کشور فراهم ساخته است. به باور وی جست‌وجوی خستگی‌ناپذیر برای قرار دادن اسلام در متن سنت تاریخی پیش‌تاز، مترقی و متمدن جهان و یا بازگشت به شکوه و جلال دوران بزرگ شاهان پارسی، حاصلی جز برافروختن شعله‌های این بحران نداشته است. به باور تاجیک در شرایطی که نه گفتمان‌های مدرن و ایرانیت امکان سیادت داشتند و نه گفتمان اسلامیت و نه ترکیبی همگون از آنان، بستر برای تشّت و تلون هویتی فراهم گشت و فرایند شکل‌گیری هویت نوین ایرانی را به تعویق انداخت. بدین ترتیب نویسنده راه‌حل را در توجه به هر سه رکن می‌بیند.

حاجیانی (۱۳۸۸) در کتاب *جامعه‌شناسی هویت ایرانی* معتقد است، هویت ایرانی ماهیت فرهنگی و ترکیبی دارد و به همین دلیل هرگونه برداشت و رویکرد یک‌سویه که یکی از عناصر آن را برجسته و بزرگ‌نمایی کند و یا بالعکس هر کدام از آن‌ها را تضعیف، تحقیر، طرد و حاشیه‌نشین سازد، موجب به‌هم ریختن نظم هویتی شده و زمینه را برای تولید بحران فراهم می‌آورد. از نظر نویسنده، هرگونه بحران، آسیب و بی‌نظمی‌ای که در شاکله و کلیت هویت ملی ایران به‌وجود آمده یا بیاید، به نحوه عملکردها، گرایش‌ها و تاکیدهای مراجع قدرت سیاسی و نخبگان بازمی‌گردد. حاجیانی در نهایت بیان می‌کند که به نظر می‌رسد ایده هویت ملی ترکیبی باید کانون هرگونه سیاست‌گذاری هویتی تلقی شده و تثبیت گردد.

احمدی (۱۳۹۰) در بخش‌هایی از کتاب *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، به موضوع تحقیق حاضر می‌پردازد و می‌گوید: داشتن نگاه گزینشی و انکارگرا به ابعاد هویت ملی ایران، به سود هیچ‌کس در کشور نیست و در نهایت پیامدهای منفی و مخربی برای همه ایرانیان از هر گروه، نگاه، قوم و فرقه دارد. تنها یک ایران برخوردار از انسجام و وحدت درونی و

هویت ملی نیرومند است که می‌تواند منافع همه مردم را فراهم کند. بابایی فرد (۱۳۹۲) در کتاب بحران هویت در جامعه معاصر ایران، به مسئله تحقیق حاضر اشاره کرده و بیان می‌کند که در عصر جهانی شدن باید بین سه لایه هویت ایرانی تعادل مطلوب را برقرار کنیم. به باور وی، جامعه ایران هم‌زمان باید گفت‌وگوی برون‌تمدنی و گفت‌وگوی درون‌تمدنی داشته باشد. از نظر حاجیانی، تا وقتی که به هر سه لایه هویتی کشور به‌طور هم‌زمان توجه نشود، آمادگی شرکت فعالانه و مقتدرانه در عرصه جهانی را نخواهیم داشت.

با وجود فراهم آمدن آثاری در زمینه موضوعی پژوهش حاضر، این پژوهش با آن‌ها متفاوت می‌باشد و این تفاوت در این است که تحقیق حاضر به‌طور ویژه به بررسی تاثیر فرایند جهانی شدن بر نگرش‌های اعضای جامعه ایران نسبت به ارکان هویت ملی ایران و ارائه الگوی سیاست‌گذاری هویتی به دولت جمهوری اسلامی جهت صیانت از هویت مذکور می‌پردازد و همانند سایر تحقیقات، به موضوعات دیگر نمی‌پردازد.

۳. مباحث نظری

پیش از هر چیز لازم است تعریفی از مفاهیم هویت ملی و جهانی شدن ارائه گردد. هویت ملی به عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین سطح هویت جمعی، به معنای آگاهی و احساس تعلق خاطر، تعهد و وفاداری افراد جامعه نسبت به اجتماع ملی و عناصر سازنده‌ی آن می‌باشد. جهانی شدن نیز فرایندی است که دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته، به طوری که در نتیجه‌ی شکل‌گیری و گسترش آن، مناطق، کشورها و افراد مختلف وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان، مناطق، کشورها و افراد دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از دیدگاه پژوهش حاضر فرایند جهانی شدن به نوعی امتداد مدرنیته می‌باشد.

ازجمله نظریه‌هایی که می‌توان از آن برای بررسی تاثیر جهانی شدن بر هویت‌های فردی و جمعی (ملی) افراد بهره برد، نظریه‌ی آنتونی گیدنز^۱ می‌باشد. گیدنز جهانی شدن را

ادامه‌ی مدرنیته و به معنای وابستگی متقابل و فزاینده در سطح جهانی در نظر می‌گیرد. از نظر او، جهانی شدن ارتباطات و فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی (فضای مجازی) مهم‌ترین شاخص به‌هم‌پیوستگی جهانی و تشدید روابط اجتماعی می‌باشد. گیدنز معتقد است که در نتیجه‌ی گسترش فضای مجازی، ما می‌توانیم در یک چشم به هم زدن در هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم؛ ارتباطی آنی که بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی بشر از جمله هویت را تغییر داده و موجب شکل‌گیری «هویت‌های جدید» می‌شود. این هویت‌های جدید زندگی روزمره و سنت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به معنای جدیدی از خود برای افراد بشر می‌انجامد که محصول آن نیز «سیاست زندگی» یا «سیاست انتخاب» می‌باشد. از نظر وی، هویت‌های فردی در عصر جهانی شدن با خروج از چارچوب تنگ اجتماعی و سنتی به دنبال عناصر مدرن در عرصه جهانی می‌گردند. افراد سعی می‌کنند تا با الگوهای مصرف و علقه و تعهد خود به یک سبک زندگی مشخص، هویت خویش را تعریف کنند. سیاست زندگی، مربوط به شیوه زندگی فرد است و دربردارنده تلاش مداوم فرد برای گزینش‌گری در یک محیط بازاندیشانه بوده که در آن دیگر سنت نقشی در ارائه معیارهای زندگی روزمره ندارد. بنابراین، هویت انسان عصر جهانی شدن، از خصلت بازاندیشانه یا بازتابی برخوردار است. بازتابندگی هویت به معنای سیال بودن هویت و تغییر آن در نتیجه تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه ظهور فضای مجازی است. در مجموع گیدنز بر این باور است که جهانی شدن بخشی از اختیارات و توانایی‌های دولت-ملت‌ها را از آن‌ها می‌ستاند و آن‌ها دیگر نمی‌توانند انحصار ارائه اطلاعات را به مردم خود در دست داشته باشند و ناگزیرند که خود را با هویت‌ها و تعلقات جدید و جمعی هماهنگ سازند (گیدنز، ۱۳۷۷؛ ۱۳۷۸ الف؛ ۱۳۷۸ ب).

با توجه به دیدگاه گیدنز می‌توان گفت که فرایند جهانی شدن با تحولاتی که در حوزه‌های مختلف به ارمغان آورده، کارکردهای دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها کارکرد هویت‌سازی آن‌ها می‌باشد. این فرایند با فرسایش و نفوذپذیر کردن مرزهای ملی و رها کردن امر اجتماعی از بستر مکانی زمینه‌ی جدایی جامعه و روابط اجتماعی و فرهنگی را از نهاد دولت فراهم کرد که این فرایند در مجموع

توانسته است کارایی دولت‌ها را در عرصه هویت‌سازی کاهش دهد، به طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته و در فضایی بسته، انحصاری و امن به ساخت و ترویج هویت ملی بپردازند (گل محمدی، ۱۳۸۹، ص ۷۹-۹۱؛ Bauman, 2001, P. 481-482).

جهانی شدن با کارکردها و ابزارهای خود به ویژه فضای مجازی، توانسته است مؤلفه‌های هویت ملی را خارج از اراده‌ی دولت‌ها به موضوع یک انتخاب تبدیل کرده و بدین وسیله آن‌ها را در این زمینه با چالش مواجه نماید. می‌توان گفت که در عصر حاضر، مرزهای هویتی نفوذناپذیر کشورها به شدت آسیب‌پذیر شده‌اند. برخلاف گذشته که مؤلفه‌های سنتی هویت ملی تنها منابع شکل‌دهی به هویت افراد بوده‌اند، امروزه فرایند جهانی شدن این نقش انحصاری را از آن‌ها گرفته و با متحول ساختن فضا و زمان و جدا کردن آن‌ها از مکان، جایگاه مهمی را در فرایند شکل‌دهی و شکل‌گیری هویت افراد به خود اختصاص داده است. این مسئله موجب متزلزل شدن و نسبی شدن منبع هویت‌یابی سنتی و دشوار شدن هویت‌سازی به شیوه‌ی گذشته شده و بسیاری از جوامع را با بحران هویت مواجه کرده است (گل محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۶-۲۵۱؛ Pruthi, 2006, P. 133). بحران هویت به طور کلی به وضعیتی گفته می‌شود که فرد یا جامعه، هوشیاری و آگاهی لازم را نسبت به خود از دست بدهد و حالتی مردد و ناپایدار به خود بگیرد (ربانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳-۲۴). در این شرایط، افراد منابع جدید فراملی را جذاب‌تر از منابع داخلی و بومی می‌یابند و از این‌رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید می‌شوند.

از آن‌جا که پدیده جهانی شدن موجب تقابل و تضاد میان ارزش‌های مدرن و قدیمی (سنتی) و در نتیجه بروز بحران هویت در بسیاری از جوامع شده است، بنابراین، پیدایش و استمرار تقابل و تضاد میان ارزش‌ها و نگرش‌های هویتی در جامعه و تحمیل رویکرد هویتی خاص از سوی نظام سیاسی، انسجام ملی در آن جامعه را از بین خواهد برد. این در حالی است که تکثرگرایی فرهنگی، به عنوان الگوی سیاست‌گذاری هویتی پذیرفته شده در سطح جهانی، بر تعامل و هم‌زیستی میان نگرش‌ها و مبانی هویتی تاکید دارد. در واقع اگر در گذشته، هویت ملی جوامع مقوله‌ای تک‌بعدی در نظر گرفته می‌شد، در عصر حاضر، اتخاذ نگاه گزینشی نسبت به این هویت و ترویج هویت دولت‌پسندانه، منطقی و امکان‌پذیر نمی‌باشد.

مقابله با چالش‌ها و جلوگیری از بروز بحران هویت ملی، از گام‌های نخست و ضروری در جهت توسعه ملی به‌شمار می‌آید، زیرا در نتیجه‌ی آن، فرایند ملت‌سازی به‌بار نشسته و هویت ملی مستحکمی شکل خواهد گرفت. نکته کلیدی در توسعه ملی این است که سیاست‌های هویتی نظام سیاسی نمی‌تواند بدون توجه به منابع و جریان‌های مختلف هویتی موجود در جامعه پایدار و موفق باشد.

باتوجه به این‌که دوام و بقای هر پدیده اجتماعی و فرهنگی از یک‌سو به نوع سیاست‌های حکومت و طریقه سیاست‌گذاری‌ها از سوی آن و نیز میزان حمایت‌ها و پشتوانه‌های مردمی وابسته است، بنابراین، استمرار، پویایی و بقای هویت ملی یک جامعه ارتباط اساسی با نوع سیاست‌های حکومت و میزان گرایش و حمایت اعضای آن جامعه نسبت به هویت ملی و مبانی آن دارد و از این‌رو عدم اتخاذ رویکرد و سیاست مناسب در حوزه هویت ملی و تضعیف گرایش به هویت ملی از سوی مردم، می‌تواند موجبات تضعیف هویت ملی آن جامعه را فراهم نماید.

۴. هویت ملی ایران و ارکان آن

در خصوص هویت ملی ایران، دو دیدگاه کلی وجود دارد: عده‌ای معتقدند که هویت ملی در ایران، پدیده‌ای متاخر و متأثر از ظهور دولت‌های ملی در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم است، و دسته‌ای دیگر بر این باورند که به‌دلیل قدمت تاریخی گسترده کشور ایران، می‌توان نشانه‌هایی از وجود مفهوم هویت ملی را در ایران باستان جستجو کرد؛ دیدگاه اخیر معتقد است که مفهوم ملت به‌عنوان شالوده شکل‌گیری هویت ملی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملی قرن نوزدهم در کشور ایران وجود داشته و این تمدن از ابتدا بر یک آگاهی ذهنی از خود و دیگران قوام یافته و موجودیت خویش را براساس این خودآگاهی ذهنی شکل داده بود (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶-۱۱۷). پژوهش حاضر با دیدگاه دوم هم‌نظر می‌باشد.

می‌توان گفت آن‌چه از آن تحت عنوان هویت ملی ایران یاد می‌شود، قرن‌ها پیش و در دوره باستان ایجاد شده و در طول تاریخ توانسته است پایداری، پویایی و استمرار خویش را حفظ کرده و استمرار بخشد. هویت ملی ایران، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و اندیشگی است که در سیر تحول تاریخی به اجتماع ملی ایران شکل داده و

موجب تشخیص این اجتماع و تفاوت آن از جوامع دیگر شده‌اند. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که نوعی هویت ملی در میان ساکنان ایران از دیرباز وجود داشته است. پژوهش حاضر هم‌سو با صاحب‌نظرانی چون حسین بشیریه (۱۳۸۳)، فرهنگ رجایی (۱۳۸۶)، احمد نقیب‌زاده (۱۳۸۱) و... معتقد است هویت ملی ایران از سه رکن یا لایه‌ی ایران باستان، اسلام و مدرنیته تشکیل شده است. در واقع این لایه‌ها، بسترهایی هستند که هویت ملی ایران در بطن آن‌ها تکوین یافته و هر کدام تأثیر اساسی در تعریف ایرانیان از چه کسی بودن خویش برجای گذاشته‌اند. البته این پژوهش، جایگاه و نقش لایه‌های اول و دوم را پررنگ‌تر و عمیق‌تر می‌داند. به طور کلی «در ایران باستان، بن‌مایه‌ی هویت ایرانی با مشخص شدن فرهنگ و آداب و رسوم مشخص و تمایز و قرار گرفتن ایران در برابر توران، یونان و روم با آیین زرتشت، اندیشه حکمران عادل، تشخیص یافت. لایه‌ی اسلام نیز مربوط به فرهنگ اسلامی - عربی می‌باشد که به مدت چهارده قرن به هویت ملی ایران و نوع نگرش ایرانیان به جهان و رفتار و ساختار اجتماعی و سیاسی آن‌ها جهت داده است» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۷۱). همچنین از اوایل دوره‌ی قاجار و در نتیجه‌ی آشنایی ایرانیان با تمدن مدرن غرب یا مدرنیته، اندیشه‌های ناسیونالیستی بر محور ایجاد دولت-ملت، با اندیشه‌های سنتی در مورد تعلق به ایران و هویت ایرانی درهم آمیخت و این هویت، ترکیب جدیدی یافت.

درباره رابطه‌ی میان ارکان هویت ملی ایران در فرایند تاریخی می‌توان گفت که ارتباط میان ایرانیت و اسلامیت خصمانه نبوده و این دو از جمله اصلی‌ترین ارکان حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی را تشکیل داده و ایرانیان میان آن‌ها سازگاری برقرار می‌کردند (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۹۶-۹۷؛ رجایی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۴). در رابطه با مدرنیته و ارتباط آن با دو رکن فوق نیز بنا به دلایل و شواهد تاریخی می‌توان بین آن دو رکن با مدرنیته در برخی از جنبه‌ها نوعی وام‌گیری و تداخل مشاهده کرد، که این مسئله خود ناشی از اقتضائات جامعه متنوع ایران می‌باشد.

۵. فرایند جهانی شدن، فضای مجازی و تحول در گرایش‌ها نسبت به ارکان هویت ملی در ایران

شواهد نشان‌دهنده‌ی آن است که کشور ایران در حال حاضر در مسیر تحولات هویتی

متاثر از فرایند جهانی شدن قرار گرفته است. به طور کلی «دسترسی اقشار مختلف مردم ایران به شبکه‌های گسترده ارتباطات جهانی (فضای مجازی)، را می‌توان از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیرات جهانی شدن بر ایران دانست» (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۲۸). نفوذ فرایند جهانی شدن و گسترش فضای مجازی در ایران، تحولات عمده‌ای را در تعیین سیاست‌های هویتی در این کشور ایجاد کرده است، به طوری که دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان متولی امر سیاست‌گذاری هویتی در ایران، دیگر قادر نیست همچون گذشته و در محیطی امن به ترویج هویت ملی مطلوب خویش بپردازد.

هویت‌سازی به عنوان یکی از سازوکارهای اصلی هماهنگی و نظارت اجتماعی برای دولت جمهوری اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. این دولت در طول چهار دهه از حیات خود، درصدد ایجاد تحول در ساختار هویتی کشور نسبت به عصر پهلوی برآمد. به طور کلی برخلاف دولت‌های پهلوی اول و دوم که عنصر اصلی هویت‌سازی را بر مبنای ایران باستان و مولفه‌های آن استوار کرده بودند، دولت جمهوری اسلامی عنصر اصلی هویت‌سازی‌اش را مؤلفه دینی با هویت اسلامی-شیعی در نظر گرفت. در واقع با استقرار این دولت، سیاست‌های فرهنگی که بر برداشتی خاص از اسلامی کردن فرهنگ جامعه استوار است، در راستای برساختن هویت تک‌واره در قالب الگوی آرمانی اسلام شیعه قرار گرفت (سیدامامی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸-۱۸۹).

اما امروزه با انقلاب اطلاعات و فرایند جهانی شدن اطلاعات، تلاش‌های هویت‌سازی دولت جمهوری اسلامی با واکنش‌های مردمی مواجه شده است که به دنبال تلفیق وجوه مختلف هویتی خویش هستند (اژدری، ۱۳۹۶، ص ۸۲). به عبارتی دیگر، در حال حاضر وجود مرجع‌ها و منابعی غیر از حکومت، همچون وسایل نوین ارتباطی توانسته‌اند بر عرصه هویت‌سازی و هویت‌جویی در کشور تأثیر گذاشته و مرزهای تازه‌ای را در شکل‌گیری و تقویت خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه جوانان به وجود آورند. این فرایند «با افزایش هزینه‌های اعمال قدرت و کاهش هزینه‌های مقاومت، عملکرد دولت [جمهوری اسلامی] را جهت ساخت و تداوم هویت ملی از طریق نهادهای پیش‌گفته محدود کرده است» (اژدری، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

می‌توان گفت در عصر حاضر، هویت ملی ایران متاثر از عواملی مانند پیشینه تاریخی،

اجتماعی و فرهنگی، پارادایم جدید فکری، انسان مدرن و فرامدرن و نظام جهانی و چندبُعدی می‌باشد. این عوامل باعث شدند که این هویت بیش از گذشته، از ساختاری با محوریت ایرانی-اسلامی بودن، به ساختار پیچیده و ترکیبی با عناصر ایرانی، اسلامی و مدرن تغییر کند. تحت تاثیر فرایند جهانی شدن، شاهد تجلی پُررنگ‌ترِ هویت چندوجهی هستیم و ابعاد گوناگون هویت ملی ایرانی در سطح فردی، ملی و جهانی خودنمایی می‌کند. در جامعه جهانی کنونی، تفکرات مدرن از طریق ارتباطات فرامرزی از مرزهای جغرافیای غربی فراتر رفته و بر جامعه ایرانی نیز تاثیر گذاشته است. از این رو می‌توان گفت که پیشینه تاریخی ایران و آموزه‌های اسلامی به عنوان منابع هویت‌ساز قدیمی در کنار تفکرات و ارزش‌های فرامرزی و مدرن به عنوان منبع هویت‌ساز جدید قرار گرفته‌اند.

در این‌جا به تعدادی از تحقیقاتی که در ارتباط با نقش فضای مجازی (به عنوان ابزار جهانی شدن) در تقویت بُعد مدرن هویت و ایجاد هویت فراملی و تضعیف گرایش به ابعاد ایرانی و مذهبی در نزد کاربران ایرانی انجام شده، اشاره می‌گردد:

ساعی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی که با روش پیمایشی و پرسشنامه و با هدف بررسی تاثیر تلویزیون‌های ماهواره‌ای بر تغییرات ارزش‌های اجتماعی جوانان شهر تهران انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که هرچه میزان بهره‌مندی جوانان از این رسانه بیشتر شده، گرایش به معیارهای مدرن در نزد آنان بیشتر شده و گرایش به ارزش‌های اجتماعی، دینی و اخلاقی کم‌تر می‌شود.

میرمحمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی که با روش پیمایشی و پرسشنامه به تبیین نسبت میان فضای مجازی (اینترنت و ماهواره) و هویت ملی و شناخت میزان اثرگذاری این فضا بر گرایش شهروندان تهرانی به هویت ملی می‌پردازد، به این نتیجه می‌رسد که جوانان تهرانی‌ای که از اینترنت و ماهواره استفاده بیشتری می‌کنند، به سمت گرایش‌های هویتی غیر سنتی و مدرن سوق می‌یابند.

نتایج پژوهش عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) که به صورت پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه و ابزار پرسشنامه و با هدف بررسی رابطه حضور و تعامل جوانان شهر اصفهان در شبکه اجتماعی فیس‌بوک با هویت ملی آنان انجام شد، حاکی از آن است که هرچه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان فعالیت و مشارکت کاربران در

فیس‌بوک از سوی جوانان اصفهانی افزایش پیدا می‌کند، ابعاد ایرانی و دینی هویت ملی شان ضعیف‌تر می‌شود.

دانایی و بابائی ساروئی (۱۳۹۶) با استفاده از روش پیمایشی و توزیع پرسشنامه در ۳۱ استان ایران به بررسی تاثیرات استفاده از رسانه‌های مجازی بر هویت ملی افراد جامعه ایران پرداختند. آنان در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین میزان استفاده از رسانه‌های مجازی و هویت ملی رابطه تاثیرگذار و جدی وجود دارد، به این صورت که هرچه دسترسی افراد به اینترنت افزایش می‌یابد، مؤلفه‌های قدیمی هویت ملی در فرد ضعیف‌تر می‌شوند.

کیان و قلی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی که جامعه آماری آن دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد طبس و ابزار آن نیز پرسشنامه بود، به این جمع‌بندی رسیدند که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و هویت ملی و دینی این دانشجویان رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد، و کسانی که از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بیشتر استفاده می‌کنند، از هویت ملی و دینی ضعیف‌تری برخوردار هستند.

محتوا و نتایج پژوهش‌های فوق، بیان‌گر این هستند که در سال‌های اخیر گسترش و نفوذ این پدیده‌ها در ایران، به ورود هرچه بیشتر فرهنگ غرب و مظاهر آن به درون جامعه ایران کمک کرده، به طوری که این فرایند در کنار دور کردن بسیاری از ایرانیان از منابع قدیمی‌تر هویت‌بخش ملی خویش یعنی ایرانیت و اسلامیت، موجب گرایش هرچه بیشتر آنان نسبت به منبع مدرن هویت ملی‌شان شده است.

در رابطه با تاثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر هویت ایرانیان باید عنوان کرد که این شبکه‌ها نقش مؤثری در تحول و دگرگونی و شکل‌دهی به هویت مخاطبان ایرانی دارند و مبانی فرهنگی و هویتی مدرن را در اختیار آنان قرار می‌دهند. به طور کلی هم‌اکنون حدود نیمی از جمعیت ایران از ماهواره استفاده می‌کنند. حجم انبوه و روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای به تدریج باعث روی‌گردانی مخاطبان از مبانی ایرانی و اسلامی فرهنگ و هویت ملی خود و دل‌بستن هرچه بیشتر به مبانی و سبک زندگی غربی و مدرن می‌شود. «شبکه‌های ماهواره‌ای از آن‌رو در ایران موفقیت کسب می‌کنند که ابعادی از هویت مخاطبان را پیش چشم‌شان می‌نهند که در گفتمان رسمی و شبکه‌های داخلی کشور مجال خودنمایی ندارد»

(علیزاده و زردار، ۱۳۹۶).

در حال حاضر استفاده از سریال‌های سرگرم‌کننده ماهواره‌ای پدیده‌ای فراگیر و تاحدی همه‌گیر در جامعه ایران شده است (گیویان و کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). بررسی برنامه‌های پخش شده از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که این شبکه‌ها بر سبک زندگی جامعه مخاطب در ایران تاثیر گذاشته‌اند. این شبکه‌ها برنامه‌ها و فیلم‌هایی که سبک زندگی غربی در آن‌ها نمایش داده می‌شود را عرضه می‌کنند که بر نگرش مخاطبان ایرانی تاثیر دارد. برنامه‌های ماهواره‌ای و شوهای تلویزیونی، موسیقی، تصاویر، به طور مستقیم باور و ارزش‌های این مخاطبان را مورد هدف قرار می‌دهند و آنان با تماشای این برنامه‌ها شکل‌های متفاوتی از رفتار را از موقعیت‌های مختلف فراگرفته، به برداشت عامی از نگرش‌ها و هویت فراملی دست می‌یابند (فتحی و جعفری، ۱۳۹۶؛ نصیری و شهاب‌الدین، ۱۳۹۴).

شبکه اینترنت نیز در ایران برای اکثر کاربران فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیرقابل دسترس را به ارمغان آورده (ذکایی و خطیبی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶) که این مسئله بر فرایند هویت‌یابی آنان تاثیر گذاشته است. در حال حاضر کشور ایران دارای بیش از ۵۰ میلیون نفر کاربر اینترنتی می‌باشد. به طور کلی در نتیجه بهره‌گیری کاربران ایرانی از اینترنت، بسیاری از آن‌ها جهت‌گیری‌های خاصی نسبت به ابعاد قدیمی هویت ملی پیدا کردند، به طوری که دل‌بستگی آنان نسبت به این ابعاد به‌اندازه دل‌بستگی نسل گذشته و کسانی که از این اینترنت استفاده نمی‌کنند، نیست. می‌توان گفت، تجارب حاصل از حضور کاربران ایرانی در شبکه اینترنت بسته به میزان عمق و وسعت حضور، تا حد زیادی موجب بازاندیشی در هویت فردی و جمعی آنان و متزلزل شدن فراروایت‌های موجود در اذهانشان شده و دستیابی به هویتی مدرن و فراملی را برایشان فراهم آورده است.

بین میزان استفاده زمانی کاربران ایرانی از اینترنت با میزان گرایش به سبک زندگی مدرن و مصرف‌گرایی، رابطه‌ای مثبت دارد. به این صورت که هرچه کاربران زمان‌های بیشتری از این رسانه استفاده می‌کنند، بیشتر به سبک زندگی مدرن گرایش پیدا کرده و مصرف‌گراتر می‌شوند. تعداد بازی‌های رایانه‌ای، مجلات عمومی، برنامه‌های صوتی و تصویری، آهنگ‌ها و سایر صور گذران اوقات فراغت که هم‌اکنون در سایت‌های اینترنتی

موجود بوده و ایرانیان از آن‌ها استفاده می‌کنند، بسیار زیاد می‌باشد، به طوری که آن‌ها می‌توانند بخش اعظم اوقات فراغت خود را به شیوه‌ای راحت‌تر و بدون ضرورت خروج از منزل و جابه‌جایی، در مراکز فراغت مجازی سپری کنند، با افراد زیادی از هر گوشه دنیا حرف بزنند و این امور را در مدت کوتاهی به دفعات و با تعویض افراد و فضاها انجام دهند (رضایی، ۱۳۹۴). این‌گونه متمرکز شدن فعالیت‌های افراد جامعه ایران حول اینترنت، نگرش‌های هویتی آنان را با تغییر و تحولات اساسی مواجه کرده و به آنان هویتی فراملی بخشیده است.

گسترش سریع و همه‌جانبه تلفن همراه هوشمند و شبکه‌های اجتماعی و به‌کارگیری آن‌ها در جامعه ایران نیز تغییرات هویتی گسترده‌ای را در میان کاربران ایرانی به‌وجود آورده است. در حال حاضر نزدیک به ۶۰ درصد از مردم ایران حداقل عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی تلگرام، واتساپ، و... هستند (قلی‌زاده و زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵-۱۰۶). مسئله اصلی درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه آن است که بیش‌تر به‌جای آن‌که برای رفع نیازهای ضروری و اولیه‌ی فردی کاربران ایرانی باشد، فرایندی از ایدئولوژی مصرف سبک زندگی مدرن است که برای کسب پایگاه و منزلت اجتماعی و به‌منظور هویت‌یابی مورد توجه می‌باشد (فرقانی و بدیعی، ۱۳۹۴).

افزایش ارتباطات جهانی و دسترسی هرچه بیش‌تر اعضای جامعه ایران به رسانه‌های فضای مجازی موجب ایجاد تغییرات هویتی وسیعی در این جامعه شده است. رسانه‌های ارتباطی جدید، به اصلی‌ترین منبع هویت‌بخشی در نزد بسیاری از ایرانیان تبدیل شده است. تجربیات حاصل از حضور در فضای مجازی موجب بازاندیشی در هویت فردی و متزلزل شدن فراروایت‌های موجود در اذهان آنان شده و دستیابی به هویتی فراملی را برایشان فراهم آورده است. به طور کلی تعارض فرهنگ و مبانی دینی و ایرانی با بخشی از عناصر فرهنگ و شیوه زندگی غربی باعث شد تا سایر تعلقات هویتی فرد تغییر یافته و افراد زیادی برای کسب معنا، بیش‌تر خود را بر مبنای بُعد مدرن هویت معنا کنند.

رشد و گسترش فضای مجازی در ایران از یک‌سو موجب از بین رفتن بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی و از سوی دیگر باعث تغییر شدید شیوه‌های زندگی و پیدایش سبک‌های زندگی جدید، تکثر نمادها، تغییر ذائقه‌ها و رشد توقعات و انتظارات

شده است. این فضا برای بسیاری از ایرانیان فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیرقابل دسترس را به ارمغان آورده که این موضوع، جهت‌گیری‌های متفاوتی را نسبت به هویت ملی‌شان در مقایسه با گذشته موجب شده است. این تکنولوژی موجب گسترش فرهنگ سرمایه‌داری غربی و برجسته‌تر شدن بُعد مدرن هویت ملی از سویی و کم‌رنگ شدن ابعاد اصیل‌تر این هویت از سوی دیگر در نزد کاربران ایرانی شده است.

با گسترش فضای مجازی، هویت و سطح، معنا و مبنای آن در میان کاربران ایرانی دچار تغییر شده و از پدیده‌ای نسبتاً پایدار و منسجم به پدیده‌ای سیال و چندپاره تبدیل شده است. این افراد دارای هویت یکپارچه‌ی برگرفته از سنت‌های ایرانی و اسلامی نیستند، بلکه می‌کوشند آنچه را که می‌پسندند از جوامع مختلف به‌ویژه جوامع غربی جمع کرده و در درون خود ترکیبی خاص از آن‌ها را به‌وجود آورند (میرمحمدی، ۱۳۹۴). بر این اساس آنان در آن واحد می‌توانند خود را به واحدهای ملی و فراملی متعلق بدانند. جامعه کنونی ایران به دلیل مبتنی بودن بر باورهای سنتی از یکسو و فراگیری نمادهای مدرنیته از سوی دیگر، افراد را در موقعیتی متعارض و دوگانه قرار داده و این موقعیت، به ویژگی مهم زندگی روزمره بسیاری از ایرانیان تبدیل شده است. در واقع مواجهه با فرایند جهانی شدن و بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی آن، بسیاری از ایرانیان را در مسیر انتخاب هویت مورد دل‌خواه قرار داده است.

مصرف فراوان رسانه‌های مجازی موجب شده است که این رسانه‌ها در سطح جامعه ایران اثرگذار بوده و نیروی خاصی تولید نمایند. برای فهم میزان این اثرگذاری، می‌توان به اطلاعات، رفتار، شیوه لباس پوشیدن و آرایش مو و صورت افراد و انتظارات‌شان از یکسو و میزان حضور افراد و گروه‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی از سوی دیگر اشاره کرد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰، ص ۹۹). نتیجه‌ی غلبه‌ی مصرف‌گرایی مدرن بر فرهنگ ملی جامعه ایران، تعدیل ارزش‌ها و الگوهای ایرانی و اسلامی و رواج تجمل‌گرایی، مُدگرایی و... است که پیامد آن، بی‌اعتنایی یا کم‌اعتنایی به مبانی ایرانی و اسلامی هویت ملی و تقویت علقه‌ی مدرن در نزد کاربران ایرانی می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت تاثیرپذیری بسیاری از ایرانیان از فرایند جهانی شدن و به‌کارگیری فضای مجازی از سوی آنان، توانسته است بر گرایش آن‌ها نسبت به ابعاد

اصیل تر هویت ملی شان یعنی ایرانیت و اسلامیت تاثیر منفی گذاشته و بر گرایش آنان نسبت به بُعد مدرن هویت ملی و هویت فراملی بیفزاید. این وضعیت، به طور کلی اتخاذ رویکرد فراگیر از سوی دولت جمهوری اسلامی نسبت به هویت ملی ایران و توجه هم‌زمان به هر سه رکن این هویت را به منظور تقویت گرایش این افراد نسبت به کلیت هویت ملی ایران و تحکیم این هویت، ضروری ساخته است.

۶. دولت جمهوری اسلامی و ضرورت اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران

با توجه به تاثیرات فرایند جهانی شدن بر هویت ملی و نگرش‌های هویتی در ایران، منطق آن است که نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیران کشور در راستای صیانت از هویت ملی ایران و تحکیم آن، نسبت به تنگناهای پیرامون این هویت درنگ نمایند. به طور کلی دولت جمهوری اسلامی در صورتی می‌تواند به تقویت گرایش ایرانیان به کلیت هویت ملی ایران پرداخته و بحران‌های هویتی را از کشور دور سازد و به تحکیم هویت مذکور بپردازد، که سیاست منطقی و واقع‌بینانه‌ای نسبت به ارکان این هویت اتخاذ نماید. این در حالی است که الگوی سیاست‌گذاری هویتی در جمهوری اسلامی، تاکنون نتوانسته بستری برای هم‌زیستی ارکان هویت ملی ایران و طرفداران آن‌ها فراهم کند.

با ملاحظه‌ی تحولات سیاسی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، این واقعیت آشکار می‌شود که دولت جمهوری اسلامی تلاش کرده تا فرایند هویت‌سازی را آن‌گونه که خود می‌پسندد، سامان دهد و با تکیه بر یکی از ابعاد هویت ملی ایران یعنی آیین اسلام و تشیع، به سیاست یکسان‌سازی متوسل شده است (ر.ک: گل‌محمدی، ۱۳۹۵). واضح است که چنین رویکردی، ارتباط منطقی با ساختار ترکیبی هویت ملی ایران ندارد.

در شرایط کنونی و با توجه به تاثیر جهانی شدن نگرش‌های هویتی در ایران، ارثه تعریفی فراگیر از هویت ملی ایران توسط دولت جمهوری اسلامی ضرورتی اساسی می‌باشد. چالش‌های هویتی پیش‌رو به ما یادآوری می‌کند که هویت ملی ایران را می‌بایست به دور از رویکردهای تقلیل‌گرایانه مورد توجه قرار داد و به همه ابعاد آن اهمیت داد؛ چراکه هر سه بُعد، در تکوین هویت مذکور و هویت‌بخشی به اعضای این سرزمین نقش داشته‌اند. بر این اساس، اهمیت قائل شدن و توجه به یک بُعد از این هویت و محو کردن یا ناچیز و بی‌اهمیت انگاشتن ابعاد دیگر آن، اقدامی خسارت‌بار بوده و زمینه را برای تولید و

گسترش بحران هویت ملی فراهم می‌آورد.

از آن‌جا که هویت ملی ایران را می‌توان همچون موزائیکی دانست که عوامل مختلفی از فرهنگ‌های ایران باستان، اسلام و تشیع، و مدرنیته بر آن تأثیر گذاشته‌اند، بنابراین، ضروری است که تعریفی فراگیرتر از این هویت ارائه شود به طوری که در آن، جایگاه هر یک از سه بُعد ایرانی، اسلامی و مدرن به طور منطقی مشخص گردد. شرایط تاریخی و ساختاری ایران موجب شد تا هویت ملی ایران جنبه ترکیبی پیدا کند. با توجه به این موضوع، اتخاذ هرگونه رویکرد گزینشی نسبت به این هویت، می‌تواند موجب تضعیف آن گردد.

دیدگاه‌های معتقد به تک‌لایه‌ای بودن یا دولایه‌ای بودن هویت ملی ایران، نسبت به بسترها و فرایندهای تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری این هویت بی‌توجه می‌باشند و به همین دلیل نمی‌توانند راه‌حل‌های مناسبی برای مواجهه با مسائل و چالش‌های پیش‌روی هویت مذکور و محافظت از آن داشته و زمینه‌های پیدایش بحران هویت در کشور را فراهم می‌کنند. بنابراین، با اتخاذ رویکردی ترکیبی در زمینه هویت ملی است که می‌توان ظرفیت‌های بیشتری برای مقابله با چالش‌های هویتی پیش‌رو کسب کرد.

هویت اسلامی ایرانیان که بعد از انقلاب اسلامی برجستگی خاصی در قالب گفتمان غالب ایدئولوژیک و مکتبی اسلام‌گرایی و شیعه‌گرایی یافته، در مواجهه با فرایند جهانی شدن قرار گرفته است. نسل کنونی ایرانی متأثر از جو و شرایط این فرایند، نیاز به توجه به همه ابعاد هویتی و خودآگاهی سرزمینی‌اش دارد و هویت چندبُعدی ایرانیان باید همگام با فرایند مذکور و توسعه پرشتاب قرن حاضر برای ارضای نیاز نسل نواندیش ایرانی بازسازی شده و حرکت کند (زارعی و هاشم‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶).

ترسیم رابطه حاصل جمع صفر بین ایرانیت، اسلامیت و مدرنیت، شرایط را برای بروز و ظهور بحران هویت ملی در کشور فراهم ساخته است. جست‌وجوی خستگی‌ناپذیر برای قرار دادن اسلام در متن سنت تاریخی پیش‌تاز، مترقی و متمدن جهان و یا بازگشت به شکوه و جلال دوران بزرگ شاهان پارسی، حاصلی جز برافروختن شعله‌های این بحران نداشته است. بدیهی بود در چنین شرایطی، بستر برای تشتت و تلون هویتی فراهم گشت و فرایند شکل‌گیری هویت نوین ایرانی را به تعویق انداخت (تاجیک، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹-۱۶۰). داشتن نگاه گزینشی و انکارگرا به ارکان هویت ملی ایران، پیامدهای مخربی برای همه

ایرانیان دارد. تنها یک ایرانِ برخوردار از انسجام و وحدت درونی و هویت ملی نیرومند است که می‌تواند منافع همه مردم را فراهم کند (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۹).

باید به این نکته توجه داشت که هویت ملی ایران و انسجام و هم‌زیستی عناصر هویت جمعی در ایران، عمدتاً ماهیت فرهنگی دارد. بر این اساس، اساساً در هویت جمعی ایرانی، عنصر سیاست کم‌ترین دخالت را دارد و به محض این‌که پای سیاست در میان آید، انسجام هویتی در ایران تضعیف شده و سازه هویت ملی مخدوش می‌گردد. به عبارتی دیگر، هرگاه موضوع «ایران» برای مردم ایران، وجه عینی، زمینی و ملموس‌تری پیدا می‌کند، یعنی اجتماعی و سیاسی شده و قصد ایجاد و گسترش تعاملات اجتماعی بیشتر و نیز دخالت حکومت، سیاست و قدرت با قصد افزایش انسجام فرهنگی و هویتی در میان باشد، ترکیب به هم می‌خورد (حاجیان، ۱۳۸۸، ص ۶۶۵-۶۶۶).

نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی باید با پرهیز از برجسته‌سازی تمایزات میان ارکان هویت ملی و بحرانی نمودن این تفاوت‌ها، مردم ایران را به سمت اتخاذ نگرشی ترکیبی در زمینه هویت ملی خویش رهنمون سازند. این اقدام موجب افزایش همبستگی ملی در کشور و تحکیم هویت ملی ایران خواهد شد. یک‌سونگری به هویت ملی ایران و تاکید نامتوازن بر بُعد اسلامی به زیان ابعاد ایرانی و مدرن آن، می‌تواند موجب بروز بحران‌های سیاسی ناشی از نارضایتی بخش قابل توجهی از اقشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران گردد و از این‌رو امنیت و موجودیت کشور را با خطر بزرگی مواجه سازد. بنابراین، در پیش گرفتن سیاست هویتی متوازن و همه‌جانبه در رابطه با ابعاد هویت ملی ایران، می‌تواند پویایی و استحکام هویت ملی و ثبات، توسعه و اقتدار کشور را تضمین نماید. البته در این‌جا مقصود این نیست که تفاوت‌های میان این منابع نادیده گرفته شود، بلکه منظور آن است که سیاست‌گذاری‌های هویتی می‌بایست منجر به ایجاد هماهنگی میان آن‌ها گردد.

هویت ملی ایران را نمی‌توان صرفاً ایرانی، اسلامی یا مدرن دانست، بلکه این هویت، ترکیبی از سه منبع فوق می‌باشد. بنابراین، هرگونه تلاش در راستای تقویت و حفظ هویت ملی ایران، نیازمند توجه هم‌زمان به این ابعاد است. ما باید بتوانیم بین سنت و مدرنیته سازگاری منطقی ایجاد کنیم: باید از درون سنت وارد مدرنیته شویم. البته دل‌بستگی ما به

فرهنگ سنتی گذشته، نه بدان معناست که همه درها و روزنه‌ها را بر روی خود ببندیم و بر پندار گذشته خویش، دور از رویدادهای تازه جهان به سر بریم و نه‌چندان که از گذشته خویش غافل و دور بمانیم و خود را مجذوب و شیفته خود شویم (بابایی‌فرد، ۱۳۹۲، ص ۲۰۶ و ۲۹۵-۲۹۶).

عناصر و اجزای دو منبع سنتی هویت ملی یعنی ایرانیت و اسلامیت در صد سال گذشته مورد بهره‌برداری کامل قرار گرفته‌اند. این منابع اگرچه همچنان می‌توانند به‌عنوان عامل بقای نظام سیاسی عمل کنند، اما توانایی نظام سیاسی و سازوکارهای آن‌ها برای استخراج عناصر جدید از این منابع به‌ویژه اسلامیت باید مورد بازاندیشی قرار گیرد. به‌طور کلی دولت جمهوری اسلامی به‌منظور جلوگیری از بروز و گسترش بحران هویت ملی در کشور و رسیدن به وضعیتی متعادل، باید تلاش کند تا میان ابعاد ایرانیت و اسلامیت با بُعد مدرن هویت ملی ایران نوعی تناسب و تعادل برقرار نماید (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵، ص ۵۹). نتیجه آن‌که، به منظور صیانت از هویت ملی ایران در عصر حاضر، ایده‌ی هویت ملی ترکیبی باید کانون هرگونه سیاست‌گذاری هویتی از سوی دولت جمهوری اسلامی تلقی شده و تثبیت گردد (حاجیانی، ۱۳۸۸، ص ۶۷۱-۶۷۳).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، امروزه در نتیجه‌ی گسترش پدیده جهانی شدن، تاثیرگذاری و جایگاه مدرنیته در هویت ملی ایرانیان، پررنگ‌تر و عمیق‌تر از گذشته شده است. در واقع تاثیرپذیری جامعه ایرانی از جهانی شدن و ابزارهای آن به‌ویژه فضای مجازی را می‌توان امتداد تاثیرپذیری این جامعه از مدرنیته در یکی - دو سده اخیر دانست. این مسئله موجب بروز تحولاتی اساسی در نگرش‌های هویتی ایرانیان شده است. همان‌گونه که بیان شد، در حال حاضر بسیاری از ایرانیان در زندگی روزمره‌شان تحت تاثیر جهانی شدن قرار دارند، به طوری که در نتیجه‌ی این تاثیرپذیری، دلبستگی آن‌ها نسبت به مبانی قدیمی‌تر هویت ملی ایران یعنی ایرانیت و اسلامیت کاهش یافته و یا در حال کاهش است و در مقابل، بر گرایش آنان نسبت به بُعد مدرن هویت ملی افزوده شده یا می‌شود. پیامد این موضوع به طور کلی پررنگ‌تر شدن جایگاه مدرنیته در جامعه و هویت ملی ایران در مقابل کمرنگ شدن جایگاه عناصر ایرانیت و اسلامیت در این جامعه و هویت خواهد بود که این اتفاق می‌تواند چالش‌هایی برای هویت مذکور دربر داشته باشد. بنابراین، این

مسئله، اتخاذ رویکرد و سیاست واقع‌بینانه، غیرگزینشی و متوازن نسبت به هویت ملی ایران و ارکان آن را ازسوی دولت جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌سازد تا بدین وسیله بتوان بر گرایش ایرانیان نسبت به کلیت هویت ملی خود و در نتیجه، بروز و گسترش بحران هویت ملی در کشور و تضعیف هویت ملی ایران جلوگیری کرد. با توجه به این، دولت جمهوری اسلامی می‌بایست با اتکاء به تمامی داشته‌ها و ذخایر تمدنی و فرهنگی کشور، به حفظ و تقویت هویت مذکور بپردازد. در واقع جامعه‌ی امروز ایران متأثر از جو و شرایط جهانی شدن، نیازمند توجه به همه ابعاد هویتی‌اش می‌باشد. از این‌رو لازم است که جایگاه هر سه بُعد ایرانی، اسلامی و مدرن در هویت ملی و جامعه ایرانی به‌طور منطقی مشخص گردد.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی چگونگی تاثیر فرایند جهانی شدن در ایجاد تحول در نگرش‌های اعضای جامعه ایران نسبت به ارکان هویت ملی ایران و ارائه‌ی الگوی سیاست‌گذاری هویتی مناسب جهت صیانت از این هویت اختصاص داشت. جهانی شدن به عنوان فرایندی منسجم و یکپارچه در دهه‌های اخیر بر عرصه‌های مختلف زندگی بشری از جمله هویت ملی تاثیر گذاشته است که این مسئله شامل هویت ملی ایران نیز می‌شود. در نتیجه‌ی نفوذ فرایند جهانی شدن و گسترش فضای مجازی به عنوان یکی از ابزارهای جهانی شدن در ایران، بسیاری از اعضای جامعه ایران در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه هویت ملی خود قرار گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که در حال حاضر به لحاظ معرفتی وضعیتی را تجربه می‌کنند که پیش از این تجربه نکرده‌اند و نگرش‌های آنان نسبت به مبانی هویت ملی‌شان دچار دگرگونی‌های اساسی شده است.

به باور این پژوهش، نفوذ و گسترش فرایند جهانی شدن در ایران توانسته است باعث کاهش گرایش بسیاری از ایرانیان نسبت به ابعاد اصیل‌تر هویت ملی‌شان یعنی ایرانیت و اسلامیت شده و در مقابل بر گرایش آن‌ها نسبت به بُعد مدرن هویت ملی بیفزاید. به عبارتی، تاثیرپذیری از فرایند جهانی شدن موجب شده تا شمار زیادی از مردم ایران برای کسب معنا کم‌تر از قبل به عناصر قدیمی‌تر هویت ملی خود یعنی ایرانیت و اسلامیت متوسل شوند و بیشتر خود را بر مبنای عنصر مدرن این هویت، معنا کنند. این در حالی

است که در طول تاریخ چندهزار ساله‌ی ایران، نوعی باور و تعلق به هویت ملی ایران در نزد ساکنان این کشور وجود داشته است.

شرایط هویتی فوق در کشور، اتخاذ رویکرد و سیاست مناسب از سوی دولت جمهوری اسلامی نسبت به هویت ملی ایران را به‌منظور صیانت از این هویت ضروری ساخته است. پژوهش حاضر بر این اعتقاد است که با توجه به نقش و جایگاه اساسی هر سه رکن ایرانیّت، اسلامیت و مدرنیت در هویت ملی ایران، دولت جمهوری اسلامی می‌تواند با اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران و توجه هم‌زمان به هر سه رکن آن، موجبات تقویت گرایش اعضای جامعه ایران نسبت به هویت ملی خود را فراهم نموده و بدین وسیله از بروز بحران هویت ملی در کشور و تضعیف هویت ملی ایران جلوگیری نماید.

دولت جمهوری اسلامی به‌منظور مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی ایران در عصر جهانی شدن، می‌بایست با اتکاء به تمامی داشته‌ها و ذخایر تمدنی و فرهنگی کشور، به حفظ و تقویت این هویت پردازد. در واقع جامعه‌ی امروز ایران متأثر از جو و شرایط جهانی شدن نیازمند توجه به همه ابعاد هویتی‌اش می‌باشد؛ از این‌رو لازم است که جایگاه هر سه بُعد ایرانی، اسلامی و مدرن در هویت ملی و جامعه ایرانی به‌طور منطقی مشخص گردد. این رویکرد می‌تواند بر گرایش اعضای جامعه ایران نسبت به هویت ملی‌شان افزوده و در نتیجه بر غلظت همبستگی ملی در سطح کشور افزوده و موجب تقویت و تحکیم هویت ملی ایران گردد.

منابع

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۳). دین و ملیت در ایران: همیاری یا کشمکش؟. در: حمید احمدی. *ایران، هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲. احمدی، حمید (۱۳۹۰). *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. ازدری، بهناز (۱۳۹۶). *هویت ملی و جامعه اطلاعاتی*. تهران: نشر نگاه معاصر.
۴. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). *فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۵. بایایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲). *بحران هویت در جامعه معاصر ایران*. تهران: چاپخش.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). *توسعه سیاسی و بحران هویت ملی*. در: داود میرمحمدی. *گفتارهایی در هویت ملی ایران*. تهران: موسسه مطالعات ملی.
۷. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
۸. حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. دانایی، ابوالفضل؛ بابائی ساروئی، مصطفی (۱۳۹۶). *نقش رسانه‌های مجازی در گرایش به هویت ملی*. *مطالعات ملی*، ۷۱، ص ۴۳-۶۸.
۱۰. ذکایی، محمدسعید؛ خطیبی، فائزه (۱۳۸۵). *رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن، پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی*. *علوم اجتماعی*، ۳۳، ص ۱۱۱-۱۵۴.
۱۱. ربانی، جعفر (۱۳۸۱). *هویت ملی*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۲. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳). *معرکه جهانی‌بینی‌ها*. تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.
۱۳. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۶). *مشکله هویت ایرانیان امروز*. تهران: نشر نی.
۱۴. رضایی، محمد (۱۳۹۴). *شکاف‌های جامعه ایرانی*. تهران: انتشارات آگاه.
۱۵. زارعی، غفار؛ هاشم‌پور، پیروز (۱۳۹۷). *ابعاد هویت ایرانی در فرایند جهانی شدن (مورد مطالعه: بُعد اسلامیت)*. *سیبهر سیاست*، ۱۵(۵)، ص ۱۰۳-۱۳۸.
۱۶. ساعی، منصور؛ حیدری، حسین؛ ساعی، احمد (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل تغییرات ارزش‌های اجتماعی جوانان با تاکید بر نقش تلویزیون‌های ماهواره‌ای*. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۴۱، ص ۱۳۱-۱۵۲.
۱۷. سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱). *گوناه‌های فرهنگی و ضرورت پاسداری از آن*. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۰، ص ۱۶۹-۱۹۱.
۱۸. عباسی قادی، مجتبی؛ خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰). *تاثیر اینترنت بر هویت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۲). *شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان*. *مطالعات ملی*، ۵۶، ص ۱۴۱-۱۶۴.
۲۰. عزیزاده، عبدالرحمان؛ زردار، زرین (۱۳۹۶). *عوامل موثر بر تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای «من و تو» توسط جوانان*. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱۲، ص ۳۱-۶۵.
۲۱. فتحی، حبیب‌اله؛ جعفری، علی (۱۳۹۶). *رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی)*. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۹، ص ۲۲۱-۲۵۵.

۲۲. فرقانی، محمدمهدی؛ بدیعی، بهار (۱۳۹۴). فرایند اهلی‌سازی تکنولوژی رسانه‌ای: تجربه زیست جوانان ایرانی در پذیرش تلفن همراه هوشمند. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴، ص ۱۳۳-۱۷۸.
۲۳. قاسمی، علی‌اصغر؛ ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۰). نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران. *راهبرد*، ۵۹، ص ۱۰۷-۱۳۸.
۲۴. قلی‌زاده، آذر؛ زمانی، عباس (۱۳۹۶). مطالعه کیفی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در زندگی کاربران. *فصلنامه رسانه*، ۲۸(۱)، ص ۱۰۳-۱۱۹.
۲۵. قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۵). نقش نهادهای مدنی در فرایند تکوین هویت ملی در ایران. در: داود غریباق زندگی. نهادهای مدنی و هویت در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۲۶. کیان، مریم؛ قلی‌پور، زهره (۱۳۹۵). آثار تربیتی شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر هویت ملی و دینی دانشجویان. *فصلنامه رسانه*، ۲۷(۲)، ص ۱۰۵-۱۲۲.
۲۷. گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
۲۸. گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۵). هویت‌سازی دولت‌پسندان: هویت اسلامی در داستان‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. *دولت‌پژوهی*، ۶، ص ۱-۳۸.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸الف). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
۳۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ب). *راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی*. ترجمه منوچهر صبوری‌کاشانی. تهران: شیرازه.
۳۲. گیویان، عبدالله؛ کریمی، امید (۱۳۹۱). مصرف فرهنگی و استفاده از سریال‌های عامه‌پسند ماهواره‌ای. *رسانه*، ۳۳(۳)، ص ۱۰۹-۱۳۱.
۳۳. میرمحمدی، داود (۱۳۹۴). *فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۳۴. نصیری، بهاره؛ شهاب‌الدین، پریا (۱۳۹۴). بررسی میزان تاثیر تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای بر نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان. *رسانه*، ۲۶(۴)، ص ۸۵-۱۰۴.
۳۵. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). *تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

36. Bauman, Z. (2001). **Identity in the Globalization World Culture**. In: Eliezer Ben-Rafael and Yitzhak Stereng. *Identity Culture and Globalization*. Boston: Brill.

37. Pruthi, R.K. (2006). **Globalization and the New Civilization**. New Dehli: Alfa.

References

1. Abbasi Ghadi, M. & Khalili Kashani, M. (2011). **The Impact of Internet on National Identity**. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
2. Adlipour, S. ; Ghasemi, V. & Kianpour, M. (2013). Facebook Social Network and National Youth Identity. *Journal of National Studies*, 56, P. 141-164. [In Persian]
3. Ahmadi, H. (2004). **Religion and Nationality in Iran: Cooperation or Conflict?** In: Hamid Ahmadi. *Iran, identity, nationality, ethnicity*. Tehran: Institute for Research and Development of Humanities. [In Persian]

4. Ahmadi, H. (2011). **Foundations of Iranian National Identity: Theoretical Framework of Citizen-Based National Identity**. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian]
5. Ajdari, B. (2017). **National identity and information society**. Tehran: Negah-e-moaser Publishing. [In Persian]
6. Alizadeh, A. & Zardar, Z. (2017). Factors affecting young people watching Me and You satellite channels. *Journal of New Media Studies*, 12, P.31-65. [In Persian]
7. Azad Armaki, T. (2011). **Iranian culture and identity and globalization**. Tehran: Tammadon-e-Irani Publications. [In Persian]
8. BabaeiFard, A. (2013). **Identity crisis in contemporary Iranian society**. Tehran: Chapakhsh. [In Persian]
9. Bashirieh, H. (2004). **Political Development and the Crisis of National Identity**. In: Davood MirMohammadi. Speeches on Iran's national identity. Tehran: Institute of National Studies. [In Persian]
10. Bauman, Z. (2001). **Identity in the Globalization World Culture**. In: Eliezer Ben-Rafael and Yitzhak Stereng. Identity Culture and Globalization. Boston: Brill.
11. Danaei, A. & Babaei Saroei, M. (2017). The role of virtual media in the tendency towards national identity. *Journal of National Studies*, 71, P. 43-68. [In Persian]
12. Fathi, H. & Jafari, A. (2017). The relationship between media consumption and lifestyle change (Case study: Islamic Azad University students). *Journal of New Media Studies*, 9, P. 221-255. [In Persian]
13. Forghani, M.M. & Badieli, B. (2015). The process of domestication of media technology: the biological experience of Iranian youth in the adoption of smart phones. *Journal of New Media Studies*, 4, P. 133-178. [In Persian]
14. Ghahremanpor, R. (2006). **The role of civic institutions in the process of developing national identity in Iran**. In: Davood Gharayegh Zandi. Civic Institutions and Identity in Iran. Tehran: Tammadon-e-Irani Publications. [In Persian]
15. Ghasemi, A.A. & Ebrahimabadi, Gh.R. (2011). The Relationship between National Identity and National Unity in Iran. *Journal of Strategy*, No. 59, P. 107-138. [In Persian]
16. Gholizadeh, A. & Zamani, A. (2017). A qualitative study of the challenges of mobile social networks in users' lives. *Journal of Media*, 28(1), P. 103-119. [In Persian]
17. Giddens, A. (1998). **Consequences of modernity**. Translated by Mohsen Solasi. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
18. Giddens, A. (1999 a). **Modernity and individuality, society and personal identity in the new age**. Translated by Naser Movaffaghian. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
19. Giddens, A. (1999 b). **The third way is the reconstruction of social democracy**. Translated by Manouchehr Sabouri Kashani. Tehran: Shirazeh. [In Persian]
20. Givian, A. & Karimi, O. (2012). Cultural consumption and use of popular satellite series. *Journal of Media*, 23 (3), P. 109-131. [In Persian]

21. Golmohammadi, A. (2010). **Globalization, culture, identity**. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
22. Golmohammadi, A. (2016). State-Friendly Identification: Islamic Identity in the Stories of the Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents. *Journal of State Research*, 6, P. 1-38. [In Persian]
23. Hajjani, I. (2009). **Sociology of Iranian Identity**. Tehran: Strategic Research Center. [In Persian]
24. Kian, M. & Gholipour, Z. (2015). Educational effects of mobile social networks on students' national and religious identity. *Journal of Media*, 27(2), P. 105-122. [In Persian]
25. MirMohammadi, D. (2015). **Cyberspace and Identity Developments in Iran**, Tehran: Tehran: Tammadon-e-Irani Publications. [In Persian]
26. Naghibzadeh, A. (2002). **The Impact of National Culture on the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
27. Nasiri, B. & Shahaboddin, P. (2015). Study of the effect of watching satellite channels on the way students spend their leisure time. *Journal of Media*, 26(4), P. 85-104. [In Persian]
28. Pruthi, R.K. (2006). **Globalization and the New Civilization**. New Dehli: Alfa.
29. Rabbani, J. (2002). **National identity**. Tehran: Publications of anjomane-ouliya va morabbian. [In Persian]
30. Rajaei, F. (1994). **The battle of worldviews**. Tehran: Ehya-e-Ketab Publishing Company. [In Persian]
31. Rajaei, F. (2007). **The problem of Iranian identity today**. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
32. Rezaei, M. (2015). **Gaps in Iranian society**. Tehran: Agah Publications. [In Persian]
33. Saei, M. ; Heidari, H. & Saei, A. (2015). Study and analysis of changes in youth social values with emphasis on the role of satellite television. *Journal of Cultural Studies and Communication*, 41, P. 131-152. [In Persian]
34. Seyyedemami, K. (2012). Cultural diversity and the need to protect it. *Journal of Culture-Communication Studies*, 20, P. 169-191. [In Persian]
35. Tajik, M.R. (2005). **Narrative of zeal and identity among Iranians**. Tehran: Farhang-e-Goftman. [In Persian]
36. Zarei, Gh. & Hashempour, P. (2018). Dimensions of Iranian Identity in the Process of Globalization (Case Study: The Dimension of Islam). *Journal of Sepehr-e Siyasat*, 5(15), P. 103-138. [In Persian]
37. Zokaie, M.S. & Khatibi, F. (2006). The relationship between cyberspace presence and modern identity, a study among young Iranian Internet users. *Social Sciences Quarterly*, 33, P. 111-154. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1906900.1258

عباس‌زاده مرزبالی، مجید؛ رفیع، حسین (۱۳۹۹). فرایند جهانی‌شدن و ضرورت اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران از سوی دولت جمهوری اسلامی. *سیهر سیاست*، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۷-۳۲.